

تحلیل روایی گفتمان قرآن در خصوص ضرب و شتم زنان

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی (دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام / نویسنده مسئول)

azimzadeh@isu.ac.ir

فاطمه کمالی (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث از پردیس فارابی دانشگاه تهران)

fkamali@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۱

چکیده

در آیه ۳۴ سوره نساء، در مقابل نشوز زنان، جواز ضرب به شوهران داده شده است تا ایشان را به اطاعت وادارند. واژه ضرب در این آیه از جمله مفاهیمی است که با توجه به فحوای کلام و محل صدور آن معانی گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کند و از دیرباز بسیاری از دانش‌پژوهان چرایی و چگونگی ضرب مورد نظر را به بحث گذارده و دیدگاه‌هایی را برگزیده‌اند، از دیگر سو برخی با برداشت‌هایی نادرست قایل به ظلم و اجحاف در حق زنان شده و این آیه را مصداقی از ظلم به زنان تلقی کرده‌اند. فهم درست از معنای «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء با نظر به روایات شیعه و اهل سنت و همچنین دیدگاه‌ها و نظرات آیه‌الله خامنه‌ای به عنوان مفسر، فقیه و رهبر جامعه اسلامی در خصوص نحوه برخورد با زنان و دیدگاه فقهی ایشان در خصوص مجوز زدن زنان توسط شوهرانشان از اهداف این پژوهش است. روش این اثر اسنادی - کتابخانه‌ای با رویکرد کیفی است که با دیدی نقادانه به این نتیجه دست می‌آید که هرگونه رفتار ناشایست با زنان خلاف شرع است و آنچه در این آیه به عنوان ضرب بیان شده با توجه به تبیین‌هایی که از این مفهوم در روایات و بیانات و دیدگاه‌های آیه‌الله خامنه‌ای عنوان شده، دور از تشبیه فیزیکی است و معنای آن قرابت بیشتری با ضرب به معنای آزار روحی دارد.

کلیدواژه‌ها: آیه الله خامنه‌ای، آیه ۳۴ سوره نساء، ضرب زن، نشوز زن.

۱. مقدمه

توجه به حفظ خانواده به عنوان اجتماع کوچک انسانی مستلزم توجه به حقوق متقابل طرفین و احترام به جایگاه هر یک از اشخاص خانواده است. در دین اسلام حقوق و وظایف متقابلی برای هر یک از اعضای خانواده تبیین شده تا با عمل بدان‌ها از هرگونه تنش که آسیب‌زننده به آرامش و نشاط خانواده است، جلوگیری کند. در این بین مسأله حقوق زن در اسلام - با وجود رگه‌های معرفتی و توجه عمیق تقلین بدان - هنوز در مواردی دارای ابهاماتی است. یکی از این حقوق، حفظ جایگاه و احترام به زن در کانون خانواده است. در آیه‌ای از قرآن کریم استنکاف احتمالی زن از ایفای نقش همسری بیان شده که در پی آن احکامی برای پیشگیری از آن در نظر گرفته شده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ (نساء، ۳۴).

از جمله این احکام مطرح شده در این آیه «ضرب زنان» است که شبهه‌اتی را در پی داشته و برخی آن را به معنای ظلم به زنان دانسته‌اند. پژوهش حاضر متکفل واپژوهی مفهومی ضرب در آیه مذکور و حدود و ثغور آن و همچنین نحوه برخورد با مسأله ضرب زنان در جامعه اسلامی از نظرگاه روایات و بیانات آیه الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جامعه اسلامی است.

۱-۱. بیان مسأله

آیه ۳۴ سوره نساء - که عهده‌دار بیان احکام درون خانوادگی و فیما بین زوجین است - به بیان مسائلی چون نشوز زنان و راه‌های مقابله با آن پرداخته که از جمله این راه‌کارها، «ضرب زنان» بوده است. نظر به این که دستورات الهی بر مبنای اصل عدالت و فطرت انسانی صادر می‌شود و ظلم به انسان‌ها به هیچ روی مورد پذیرش قرار نگرفته و در ازای ظلم، مجازات تعیین شده است و از سوی دیگر، برخی با برداشت‌های ناصحیح، این آیه را مصداقی از ظلم به زنان دانسته‌اند، لذاست که در فهم معنای ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء - که عمده مفسران و محدثان آن را به «ضرب غیر مبرح» معنا کرده‌اند - باید عمیق‌تر نگریست؛ چه به نظر می‌رسد، چنانچه دلایل روایی و محکمی مبنی بر ضرب به معنای غیر از زدن داشته باشیم، شایسته است که ضرب را به

آن صورت معنا کنیم که در این صورت، شبهات پیرامونی این دیدگاه، همچون کیفیات، مقدار و شدت و... خود به خود از بین خواهد رفت.

هدف اصلی از این پژوهش رسیدن به فهم درست و حقیقی از «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء با توجه به روایات و پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. علت صدور حکم ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء چیست؟

۲. در آیه ۳۴ سوره نساء چه راه‌کارهایی در مقابل نشوز زنان مطرح شده است؟

۳. مفهوم و مصداق حقیقی ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء با توجه به روایات شیعه و اهل سنت چیست؟

۴. آیه‌الله خامنه‌ای به عنوان فقیهی معاصر و رهبر جامعه اسلامی چه جایگاهی برای زنان قایل هستند و در مقابل توهین و ضرب به زنان چه موضعی دارند؟

۲-۱. فرضیه

نظر به روایات معصومان علیهم‌السلام، ضرب مورد نظر در آیه ۳۴ سوره نساء به هیچ روی به معنای ضرب جسمی نیست و باید آن را به معنایی غیر از ضرب جسمی حمل کرد و همچنین مصداق آیه مذکور، به دلیل فضای حاکم بر آیه، تنها در حیطه مسائل زناشویی است که جزو حقوق یا تکالیف زوجین است؛ همچون عدم پرداخت نفقه در قبال عدم تمکین زن.

۳-۱. پیشینه

درباره آیه ۳۴ سوره نساء دیدگاه‌ها و نگاشته‌هایی موجود است که در پی به آن اشاره می‌کنیم:

۱-۳-۱. پیشینه نظری

در آیه ۳۴ سوره نساء «ضرب» به عنوان راهکاری اصلاحی - تنبیهی در مقابل نشوز زنان مطرح شده است. دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران در تشریح مفهوم ضرب در آیه مذکور را می‌توان ذیل دو گروه قرار داد: گروه اول - که عمده ایشان در این دسته‌اند - ضرب در آیه را به همان معنای ظاهری و زدن گرفته و معنای دیگری برای آن متصور نشده‌اند و تنها آن را مشروط به زدن دانسته‌اند که بدون خونریزی و جراحت باشد و شرط مسلم را نیز عدم عداوت و دشمنی با زن دانسته و این امر را فقط به عنوان امری ثمربخش در زمینه اصلاح روابط خاص زناشویی گرفته‌اند. قایلین به این معنا، زدن زن در این شرایط را به هیچ وجه ظلم ندانسته و آن را از حیث

راهکاری اصلاحی پذیرفته‌اند و در توضیح آن بیان می‌کنند که این آیه در خصوص افراد وظیفه‌شناسی است که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشده و زدن تنها به عنوان راهکار نهایی به کار گرفته می‌شود. آیه‌الله مکارم در توضیح ضرب به معنای زدن در این آیه به دیدگاه روان‌شناسی نیز اشاره می‌کنند و می‌گویند که از دیدگاه روان‌کاوان برخی زنان دارای حالتی به نام مازوشیسم هستند که گاه این حالت در اینان تشدید شده و تنها راه آرامش آنان نیز تنبیه بدنی است و احتمال دارد که این آیه ناظر به چنین افرادی است که با تنبیه خفیف بدنی آرام می‌شوند و این زدن را می‌توان نوعی درمان روانی برای چنین افرادی دانست (مکارم، ۱۳۷۱: ۳/۳۷۴-۳۷۳).

در این میان، برخی معتقدند که می‌توان ضرب در این آیه را به معنای اعراض و بی‌اعتنایی نیز دانست؛ چرا که در ادبیات عرب به کسی که سخنان بی‌پایه و اساس را بر زبان جاری می‌کند و یا به نوشته‌های دور از منطق استدلال می‌کند، می‌گویند: «فاضربوه علی الجدار»؛ یعنی آن را به دیوار بزنید که کنایه از اعراض و بی‌اعتنایی به سخنان غیرمنطقی و یا به نوشته‌های بی‌محتواست. در این آیه، ضرب به معنای قطع روابط عاطفی با همسر در محیط خانه است؛ به‌گونه‌ای که گویی زن از کانون خانواده طرد شده است. این نوع برخورد برای این است که زن احساس خطر کرده و رفتار خود را اصلاح نماید (موسوی لاری: ۱۳۹۱).

۱-۳-۲. پیشینه پژوهشی

از اهم پژوهش‌های صورت گرفته ذیل آیه ۳۴ سوره نساء و مفاهیم مطرح شده در آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. باقی زاده، رضا، «بررسی و تحلیل مسأله نشوز در تعامل زوجین با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء»، بهار ۱۳۸۹، دوفصلنامه بانوان شیعه، دوره ۲۳. در این پژوهش تنبیه بدنی (زدن) بدون اشکال دانسته شده است و در مواردی که زن به تعهد خود عمل نکرد، مرد می‌تواند با این اهرم او را به خواسته خود وادارد.

۲. مصطفوی، حامد، «بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن»، بهار ۱۳۹۱، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، دوره ۱۸، شماره ۶۹. در این اثر این نتیجه به دست آمده که مرد هنگام خیانت و یا خوف خیانت می‌تواند همسر خود را تنبیه کند.

۳. رئیس الساداتی، ریحانه سادات، «خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی»، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوفصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، شماره ۱. در این پژوهش، با توجه به تفاسیر روایی قرآن، این نتیجه به دست آمده است که قرآن هیچ‌گونه خشونتی علیه زنان روا نداشته است.

۴. قبادی، مریم، «نشوز؛ مصادیق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن»، زمستان ۱۳۹۳، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)، دوره ۷، ش ۴. مفهوم «ضرب» در این پژوهش بسیاری کمرنگ است و نویسنده به تبیین این مفهوم پرداخته است.

۵. خواجه پور، رزیتا، خان بابا، مژگان، «نشوز از دیدگاه آیات و روایات»، زمستان ۱۳۹۵، مطالعات هنر و فرهنگ، دوره ۱، شماره ۱. طبق این مقاله، اگر سخن و پند و دوری‌گزینی، در زن کارگر نیفتاد، مرد می‌تواند او را تنبیه بدنی کند.

۶. بستان، حسین، دهقان نژاد، رضا، «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن»، بهار ۱۳۹۶، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۸، شماره ۲۸. نویسنده بر این عقیده بوده است که مرد به عنوان مجری قانون و نه به عنوان شوهر، با کمترین هزینه می‌تواند «ضرب» را اعمال کند.

از مجموع آثار پیش‌گفته چنین برآمد که هیچ‌یک از اینان به تحلیل روایی آیه در کنار تحلیل لغوی و محتوایی، به گونه‌ای همه‌جانبه و گویا نپرداختند که همین امر موجب شده تا به رغم بررسی‌های انجام گرفته، خلأهایی در تبیین آیه به چشم بخورد. لذا در این مقاله سعی بر این است تا ضمن توجه به آیه محل بحث، به روایات فریقین در تبیین هرچه بهتر مفهوم این آیه توجه شود و دیدگاه‌های آیه‌الله خامنه‌ای نیز به عنوان فقیه و رهبری معاصر در جامعه اسلامی در برخورد با زنان مطرح گردد تا ضمن درک درست از مفهوم ضرب در آیه، عملکرد فقیه و رهبر مسلمان - که بر مبنای قرآن و سنت حکم می‌کنند - مشخص گردد.

۱-۴. روش‌شناسی

روش گردآوری داده‌های این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها به صورت تحلیلی-توصیفی صورت پذیرفته است. نظر به این که این پژوهش، رویکردی تطبیقی و مقایسه‌ای دارد، مباحث ابتدا با روش تفسیر و فقه الحدیثی در دو محور روایات شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته و سپس بیانات و دیدگاه‌های آیه‌الله خامنه‌ای بیان می‌گردد. با توجه به ضرورت بحث، روش انتقادی و تحقیق علی نیز در ساختار این پژوهش به چشم می‌خورد.

۲. تحلیل داده‌ها

۱-۲. مفهوم‌شناسی مصطلحات

در آیه مورد بحث، کلمات و اصطلاحات دارای بار معنایی خاص هستند. از این رو، بایسته است، پیش از ورود به بحث اصلی، این کلمه‌ها معناشناسی شده تا مفهوم دقیق آن‌ها روشن شود.

۲-۱-۱. نشوز

نشوز از نشز به معنای زمین بلند و مرتفع است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۷/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۲/۶) و زمانی که می‌گویند نَشَرَ فلان، یعنی فلانی قصد برتری بر دیگران دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۶). در روایات تفسیری اهل سنت نیز برای واژه نشوز دو اصل معنایی حرکت (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳) و ارتفاع (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۵۷/۲) در نظر گرفته شده است. در قرآن کریم این واژه یک‌بار در آیه ۳۴ سوره نساء و دیگر بار در آیه ۱۲۸ همین سوره آمده است که در اولی مراد، نشوز زن (همسر) و در دومی مراد، نشوز مرد (شوهر) است. در خصوص نشوز مردان تنها به این مورد بسنده می‌کنیم که نشوز شوهر همان سرکشی و طغیان او نسبت به همسرش است که مصادیق آن بین مفسران متفاوت است؛ اما در خصوص مفهوم و مصادیق دقیق نشوز زن (همسر) - که محل بحث ما در اینجا است - بین مفسران و فقیهان اختلاف است که در پی، با توجه به تفاسیر روایی فریقین، گفتار فقیهان و روایات بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱-۲. ضرب

برای ضرب معانی گوناگونی بیان شده است؛ از آن جمله زدن دو چیز به یکدیگر، زدن چیزی با دست، عصا و شمشیر، ضرب‌المثل، رفتن و سیر کردن در زمین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۴/۲-۱۰۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷۵/۴)؛ ضرب سکه «ضَرْبُ الدَّرَاهِمِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶) و یا معنای استعاره‌ای چون «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ» (آل عمران: ۱۱۲)؛ «هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده‌اند» و معنای تشبیهی چون چکش زدن و مانند آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶-۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۴-۱۰۷). همچنین به معنای زدن با دست و یا خواب رفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶-۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۴-۱۰۷؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷۶) و شناخت و معرفت نیز آمده (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۶/۲-۱۰۷) در معنای اعراض و رویگردانی نیز به کار رفته است: «أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ

الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ (زخرف: ٥) (قرشی، ١٣٧١: ١٧٦/٤). در مجموع، می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به فحوای کلام و محلی که از واژه ضرب استفاده شده، علاوه بر معنای لغوی می‌توان معنای استعاره‌ای و تشبیهی فراوانی از آن استنباط کرد.

۲-۲. پرسش‌های تحقیق

۲-۲-۱. علت صدور حکم ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء

آیه ۳۴ سوره نساء نشوز زن را عامل اصلی صدور حکم ضرب در این آیه بیان کرده و لیکن در مفهوم نشوز میان مفسران فریقین اختلاف است و هر یک، با تمسک به منابع حدیثی و روایی رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام و صحابیان و تابعیان مفاهیم گوناگونی را بیان کرده و دایره آن را محدود به اموری خاص دانسته‌اند. در ذیل آرای ایشان بازگو خواهد شد:

۲-۲-۱-۱. عدم تمکین زن در بستر

در حدیثی به نقل از امام باقر علیه‌السلام نشوز زن به معنای دوری از هم‌بستری با شوهر معنا شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۱). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود:
هر گاه زن در بستر از شوهر اطاعت نکرد، این به معنای نشوز زن است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۲۱/۳).

۲-۲-۱-۲. سرکشی و سرپیچی از وظایف

برخی دیگر هم آن را به معنای عصیان و سرکشی از اطاعت گرفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲). در تفسیر الکشف و البیان هم همین مفهوم گفته شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳).

در این میان، ملافتح‌الله کاشانی آن را به صورت عام در خصوص زوجین بیان کرده و می‌گوید:
نشوز به معنای سرکشی در چیزی است که به آن‌ها واجب باشد (کاشانی، ۱۴۱۳: ۱۹/۳).

۲-۲-۱-۳. سبک شمردن حق همسر

یکی از مفسران این آیه را در مورد حقوق شوی نسبت به همسر بیان داشته و معتقد است که اگر زن هر یک از این حقوق را سبک شمارد، مرتکب نشوز شده است (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۹۴۱/۳).

۲-۲-۱-۴. دشمنی نسبت به شوهر

برخی علاوه بر بیان سرپیچی زن از شوهر، کینه و دشمنی نسبت به شوهر را نیز به این مفهوم



افزوده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۲۵۷).

نظر به پیش‌گفته‌ها می‌توان چنین بیان داشت که علت صدور احکامی چون ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء، نشوز زن است که مفسران مصادیق مختلفی در مفهوم آن بیان کرده‌اند که پیش‌تر مطرح شد. از مجموع این موارد می‌توان چنین برداشت کرد که نشوز زن به معنای عدم انجام وظایفی است که بر او واجب بوده و مرد محق آن است و در صورتی که زن از آن‌ها سر باز زند، مصداق زن ناشزه خواهد شد و پیرو آن مرد می‌تواند احکام بیان شده در آیه را نسبت به او اعمال کند.

۳. راه کارهای مطرح شده در آیه در مقابل نشوز زنان

این آیه، به ترتیب، سه راهکار در مقابله و پیش‌گیری از نشوز زن را بیان کرده است که در پی خواهد آمد:

۳-۱. پند و اندرز

مرحله اول، در مقابله با نشوز زن، به تعبیر قرآن «فَعِظُوهُنَّ» (نساء: ۳۴) است؛ به این معنا که شوهر، زن خود را موعظه و نصیحت کند و او را به تقوای الهی فراخواند (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/۷۴؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۳/۱۹).

۳-۲. دوری جستن از هم‌بستری

مرحله دوم «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء: ۳۴) بیان شده که برخی آن را به معنای ترک هم‌بستری و جماع با زن معنا کرده‌اند (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۳؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۳/۲۰)؛ اما برخی دیگر معتقدند که مراد حق تعالی از این عبارت تنها کناره‌گیری و پشت کردن به زن در بستر است (اشکوری، ۱۳۷۳: ۱/۴۷۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/۷۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳/۳۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۴۸). علی بن ابراهیم در تفسیر خود به روایتی از امام باقر علیه السلام اشاره می‌کند که در آن «هجر» را به معنای دشنام گرفته است؛ یعنی در بستر خواب ایشان را «سب» کنید (۱۳۶۳: ۱/۱۳۷). اشکوری همین سخن را در تفسیر خود نقل کرده و در توضیح واژه «سب» بیان می‌کند که اگر به معنای متعارف مشهور باشد، به معنای دشنام گفتن به زن و در غیر این صورت، به معنای دوری از زن است (۱۳۷۳: ۱/۴۷۱).

۳-۳. ضرب زنان

مرحله سوم، «وَاضْرِبُوهُنَّ» (نساء: ۳۴) است. عمده بحث و اختلاف حول این واژه است. لذا

ضرورت دارد نظرات گوناگون قرآن پژوهان شیعه و اهل سنت درباره ضرب زنان بیان گردد. به همین خاطر، برای روشن شدن هر چه بیشتر موضع اسلام و قرآن در خصوص زدن و ضرب زنان، ابتدا روایات وارده از سوی شیعه و اهل سنت مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد و سپس دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای در این باره و نگرش ایشان در خصوص جایگاه زنان مشخص می‌گردد.

در مجموع، سه راهکار برای جلوگیری از نشوز زن در قرآن مطرح گردیده که غالب محدثان و مفسران در دو مرحله نخست نظرات یکسانی داشتند؛ مرحله اول پند و اندرز و نصیحت زن است و مرحله دوم دور شدن از زن و فاصله گرفتن از اوست که مصداق آن را پشت کردن و یا ترک بستر بیان کرده‌اند و اما مرحله نهایی که با عنوان «ضرب» بیان شده و عمده بحث ما آنجاست و در پی، با توجه به روایات بیان خواهد شد.

۴. مفهوم و مصداق حقیقی ضرب در روایات

با مطالعه روایات شیعه ذیل تنبیه و ضرب زنان با دو گونه روایت مواجهیم: دسته‌ای از روایات به تنبیه جسمانی زنان اشاره کرده‌اند و دسته‌ای دیگر از تنبیه جسمی نهی و آن را به آزار روحی محدود می‌کنند:

۴-۱. ضرب جسمی در روایات شیعه

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) به نقل از «ابوجعفر»، ضرب مورد نظر در آیه را به وسیله مسواک بیان کرده است (بی‌تا: ۱۹۱/۳). پیروی، طبرسی (م ۵۴۸ق) همین نقل را از «ابوجعفر» آورده است (۱۴۰۸: ۶۹/۳) و در ادامه، تمام کسانی که این حدیث را در کتب خود آورده‌اند، حدیث ضرب با مسواک را از کتاب مجمع البیان نقل کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۵/۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴۷۸/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۹/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۹۸/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۳۳/۹). همچنین یکی از نویسندگان معاصر در مقاله‌ای درصدد بوده تا با استفاده از خطبه‌ای از رسول خدا ﷺ - که البته از نظر سند ضعیف است - ضرب جسمی زنان را اثبات کند (پور مولا و جلالی، ۱۳۹۴: ۴۵-۶۱).

۴-۱-۱. نقد ضرب جسمی در روایات شیعه

روایتی که بر ضرب زنان با چوب مسواک دلالت می‌کند، در هیچ‌یک از منابع روایی اصلی شیعه، همچون کتب اربعه - که بنیان فقه شیعه بر آن‌ها استوار است - نیامده است.

علاوه بر ضعف «مصدری»، این روایت از نظر «سندی» ضعیف است؛ زیرا این روایت در تمام

کتب شیعه، بدون سلسله سند نقل شده است و نخستین بار در التبیان فی تفسیر القرآن به نقل از «ابی جعفر» نقل شده (طوسی، بی تا: ۱۹۱/۳) و طبرسی نیز در کتاب خود به نقل از شیخ طوسی روایت موردنظر را از «ابی جعفر» آورده است (۱۴۰۸: ۶۹/۳) و از آنجا که کنیه امام باقر علیه السلام «ابی جعفر» است، افرادی که این روایت را از طبرسی نقل کرده‌اند، گمان برده‌اند که مراد از ابی جعفر، امام محمد باقر علیه السلام است؛ حال، آن که پیش‌تر ثابت شده است^۱ که این گمان نادرست است (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴). از این رو می‌توان گفت که این روایت از معصوم علیه السلام صادر نشده است و دانشوران در این مسأله و نسبت دادن روایت به امام علیه السلام دچار اشتباه جدی شده‌اند. گفتنی است که پیش از تفسیر تبیان هیچ یک از محدثان و مفسران ضرب با مسواک را از امام باقر علیه السلام گزارش نکرده‌اند.

توصیه به ضرب، با سیره و سخنان دیگر معصومان علیهم السلام مخالفت دارد. در میان همسران معصومان علیهم السلام افراد نااهلی وجود داشتند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۹۳/۳؛ طبری املی، ۱۴۱۳: ۳۹۵). با این حال، در هیچ روایتی، حتی ضعیف‌السنند و جعلی، دیده نشده است که آنان اقدام به ضرب همسران خود کنند. در مقابل، روایاتی به صراحت بر این نکته تأکید دارند که ایشان هیچ‌گاه زنی را تنبیه فیزیکی نکرده‌اند (ابن بشران، ۱۴۲۰: ۲۵۸/۱؛ خرائطی، ۱۴۱۹: ۴۴/۱). زدن زنان نه تنها با سیره و کلام معصومان علیهم السلام در تعارض است، بلکه این عمل با سنت‌های جاهلی هم در ستیز بوده است؛ برای مثال، حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای از زدن زنان نهی کردند و در علت آن چنین فرمودند:

آنگاه که زنان در شرک به سر می‌پرند، مأمور بودیم دست از آنان بازداریم و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب‌دستی بر زنی حمله می‌برد، او و نسل‌های بعدی، او را به خاطر این کار سرزنش می‌کردند (الرضی، ۱۴۱۴: ن ۱۴).

مشاهده می‌شود طبق این روایت، زدن زنان در دوران جاهلیت و نزد اعراب بدوی مردود بوده و به طریق اولی، در اسلام - که درصدد برچیدن سنت‌های زشت جاهلی برآمده - این نهی شدیدتر است. با توجه به ضعف سندی روایات و نداشتن مصدیری از معصوم علیه السلام و همچنین دقت

۱. صالحی نجف‌آبادی در کتاب حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان، ضمن بیست شاهد، ثابت کرده است که جناب طبرسی سخنانی را از «ابی جعفر» از تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی آورده است و گمان برده است که ابی جعفر، امام پنجم شیعیان، امام محمد باقر علیه السلام است. نویسنده این کتاب با تطبیق آن موارد دریافته است که این سخنان متعلق شخص ابوجعفر طبری متوفای ۳۱۰ ق، است (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴-۸۳).

در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام با زنان، می‌توان چنین گفت که در روایات شیعه هیچ دلیل قطعی و مسلمی بر ضرب جسمی زنان وجود ندارد.

۴-۱-۲. ضرب به معنای آزار روحی در روایات شیعه

پاره‌ای از روایات تفسیری شیعه، «ضرب» در این آیه را با قیدهایی ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که این «ضرب» بدون تأثیر و آزار (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳)، بدون خونریزی (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۱)، عدم قطع عضو و عدم شکستن استخوان باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۱؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۳). با دقت در این روایات درمی‌یابیم که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام درصدد بیان چگونگی ضرب زنان‌اند و اگر در این مسأله ژرف بنگریم، متوجه می‌شویم که ایشان با این قیود، قصد داشتند زدن جسمی را نفی کنند؛ زیرا کتک زدن که بدون آزار، اثر، درد و جراحت باشد، دیگر زدن نیست و به‌گونه‌ای نقض غرض است؛ چه هدف از «ضرب» در آیه ایجاد تغییر در رفتار «زوجه» است و با این اوصاف درمی‌یابیم که چنین ضربی با‌دارنده نیست.

از طرفی، مطابق برخی نقل‌ها، ضرب زنان توسط شوهران به‌گونه‌ای دیگر تبیین شده است و آن را غیر از ضرب جسمانی دانسته‌اند؛ به‌طور مثال، در روایتی به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که همسران خود را با چوب نزنید؛ زیرا موجب قصاص می‌شود، بلکه آنان را با گرسنه نگاه داشتن و عدم پوشاک تنبیه کنید (شعیری، بی‌تا: ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۹/۱۰۰). ملاحظه می‌شود که چنین تبیینی از «ضرب» مطابق با واقع بوده و با روح اسلام سازگارتر است؛ زیرا مطابق پیمان زناشویی زن و مرد مکلف‌اند تا حقوقی را نسبت به یکدیگر رعایت کنند و مرد موظف است در ازای اموری که بر عهده زن است، به او نفقه‌ای بپردازد. حال اگر «زوجه» در ازای دریافت نفقه، از عمل به پیمان‌های زناشویی سر باز زند، پر پیداست که مرد می‌تواند حقوق مادی را از او دریغ کند.

به نظر می‌رسد که این تبیین با سیاق آیه سازگارتر است؛ زیرا در چند عبارت قبل همین آیه، یکی از دلایل قوامیت مرد بر زن پرداخت نفقه و حقوق مالی عنوان شده است:

﴿فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۲۵).

﴿وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (همان: ۳۴).

۴-۲. ضرب جسمی در روایات اهل سنت

بر خلاف روایات شیعه، روایات اهل سنت تنها به ضرب جسمانی زنان اشاره کرده‌اند و در توضیح آن

می‌گویند: برخی زدن را به معنای زدنی می‌دانند که آزاردهنده نباشد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳/۳۰۳). از حسن بصری نقل شده که زدنی منظور است که غیر مؤثر باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۷/۲) و برخی نیز معتقدند که زدن با مسواک و مانند آن مراد است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵/۴۴). ابن ابی حاتم روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ضرب در آیه به معنای ضرب غیرمیرح (بدون آسیب) است و ابوسلمه، پیرو آن، بیان می‌کند که ضرب غیرمیرح همان ضرب غیرمؤثر است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۴). همچنین از یک صحابی نقل شده است که شوهر به خاطر زدن همسر خود مورد مؤاخذة قرار نمی‌گیرد (بیهقی، ۱۴۲۴: ۷/۴۹۷). این صحابی همچنین سعی داشته بر خلاف نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت فتوای زدن زنان را بگیرد تا مجوزی برای رفتار خود با زنان باشد؛ برای مثال، در روایتی پیامبر، به صراحت بیان فرمودند که زنان را زنید، اما وی با استدلال‌هایی کوشید که فتوای تنبیه جسمی را از رسول خدا بگیرد و نتیجه آن شد که حدود هفتاد زن نزد خانواده پیامبر به‌خاطر تنبیهاتی که شوهران علیه ایشان روا داشتند، شکایت بردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/۱۶۵؛ ابن حیب، ۱۴۱۲: ۱/۲۴۷-۲۴۸؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۵/۱۸۴).

۴-۲-۱. نقد روایات تفسیری اهل سنت

در روایات اهل سنت هم مشاهده می‌کنیم که به ضرب بدون آزار و... اشاره شده است. در قسمت تفاسیر روایی شیعه اثبات کردیم که گرچه چنین ضربی به ظاهر زدن فیزیکی است، ولی با قیدهای مطرح شده در روایات، باید آن را به تنبیه غیر جسمانی حمل کرد.

نقد دیگری بر روایات اهل سنت وجود روایان زن‌ستیز در سلسله سند این روایات است؛ به گونه‌ای که می‌توان نتیجه گرفت که نقل‌های دال بر ضرب جسمانی زنان ناشی از غلبه روحیه زن‌ستیزانه روایان آن بر مضمون روایات است؛ به ویژه آن که اکثر این روایات به عمر بن خطاب بازمی‌گردد که با مطالعه شخصیت وی، به مواردی از بغض او نسبت به زنان پی‌می‌بریم؛ از جمله این که او در دوران قبل از اسلام دختر خود را زنده‌به‌گور کرده (ماوردی البصری، ۱۴۱۹: ۱۳/۶۷؛ نووی، بی‌تا: ۱۹/۱۶۷)، در اوایل بعثت خواهر خود را کتک می‌زد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۴/۱۳۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۰/۲۸۹؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۲/۲۱۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱/۱۷۴). افزون بر این، در حضور مهمان به سوی همسر خود حمله‌ور می‌شده است (طحاوی، ۱۴۱۵: ۶/۳۴۲) و مدعی بود که رسول خدا بیان فرموده که وقتی مردی همسرش را کتک می‌زند، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد (بیهقی، ۱۴۲۴: ۷/۴۹۷). حتی خشونت او محدود به

محارم خود نبوده، بلکه وی با زنان دیگر - که در مراسم عزا مشغول گریه بودند - با خشونت برخورد می‌کرده و آنان را با وجود نهی پیامبر ﷺ می‌زده است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۱۶/۵). در روایاتی شاهد این هستیم که برخی زنان به دلیل تندخویی وی حاضر به همسری او نبودند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۴/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۴). همچنین در تاریخ آمده است که زنی از ترس خشونت‌های او دچار سقط جنین شده است (نووی، بی‌تا: ۱۱/۱۹). پرواضح است که چنین شخصیتی با این روحیه خشن و زن‌ستیز در مواجهه با این آیه ساده‌ترین راه را برمی‌گزیند. همچنین در روایات اهل سنت خشونت عده‌ای دیگر از بزرگان نیز گزارش شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳؛ موصلی، ۱۴۰۴: ۲۵۳/۱؛ هیثمی، ۱۴۱۱: ۲۵۷/۴).

از روایات شیعه چنین استنباط می‌شود که نظر به عدم صدور روایات مبنی بر ضرب جسمانی از معصوم علیه السلام و همچنین داشتن روایاتی معارض با آنان مبنی بر آزار روحی و مضیقه مالی در عوض ضرب جسمانی آنچه به صواب نزدیک‌تر است، همان مفهوم غیرجسمانی در روایات شیعه است. با بررسی نقل‌های اهل سنت و موارد استناد آن‌ها به ضرب جسمانی زنان نیز می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخی صحابه برای توجیه رفتار نامناسب خود با زنان آیه را به عنوان مؤیدی بر کارهای خود گرفته تا به عملکرد خود وجهه‌ای دینی دهند. این در حالی است که هیچ دلیل محکم و مستندی بر این امر در منابع اصیل اهل سنت نیست.

۵. آیه‌الله خامنه‌ای درباره توهین و ضرب زنان

بر مبنای آیاتی از قرآن کریم^۱ جنسیت انسان‌ها امری عارضی و ثانوی است که هیچ ارتباطی در منزلت و جایگاه افراد ندارد و نباید به صرف زن یا مرد بودن امتیازات و یا کاستی‌هایی برای آن‌ها

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب: ۳۵)؛ مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راست‌گو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

قابل شد. آیه الله خامنه‌ای نیز در توضیح یکسانی شأن انسانی زن و مرد چنین می‌فرماید که زن و مرد در مسأله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادها و فکری و علمی هیچ تفاوتی ندارند؛ اما آنچه متفاوت است، قالب زن و مرد است (۹۳/۱/۳۰).^۱ بر این مبنا هر گونه رفتار نامناسب نسبت به زنان خلاف شریعت بوده و باید با آن برخورد کرد.^۲

ایشان به عنوان اندیشمند معاصر و رهبر جامعه اسلامی توجه به امور زنان، چه در محیط خانواده و چه در اجتماع را مورد توجه قرار داده و در موارد گوناگونی، ضمن تأکید بر توجه به کرامت و منزلت ایشان، با برخوردهایی که خلاف احترام و جایگاه زنان بوده برخورد کرده و می‌فرماید:

زن بودن برای زنان نباید منجر به ستم به آنان شود؛ چرا که زنان و مردان از حیث انسانیت با هم یکسان هستند و نیابستی به خاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به آنان بشود (۶۹/۱۰/۱۶).^۳

در ادامه، به ضرورت کرامت زن در جامعه اسلامی و همچنین نکوهش هر گونه رفتار توهین‌آمیز نسبت به زنان از منظر آیه الله خامنه‌ای خواهیم پرداخت.

۵-۱. حفظ کرامت و جایگاه والای زنان در جامعه اسلامی

کرامت حقیقی زن به معنای نوع رفتار درست با او به منزله انسان است؛ نه در برخی رفتارهایی که جنسیت زن را در اولویت انسانی او قرار داده و گاه حتی شأن انسانی او را فراموش می‌کنند. نمونه‌هایی از این رفتارها در جوامع غربی به چشم می‌خورد؛ مثلاً زمانی که ستاره سینما و هنرپیشه‌ها و زن‌های زیبا را در مسابقات زیبایی احترام می‌کنند، این نوعی تکریم در مقام اهانت و اهانت به شکل تکریم است (۶۵/۱۰/۱۵)؛^۴ چرا که این جسم زنان بوده که ملعبه قرار گرفته و به حقیقت وجودی اینان، به عنوان نوع انسان توجهی نشده و می‌توان آن را توهین واضحی به زنان در کرامت انسانی و شأن حقیقی ایشان دانست.

۱. دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور.

۲. توجه به این مسأله ضروری است که مراد از یکسانی، یکسانی در مقام انسانی است؛ نه آن دسته امور و مسائلی که جنسیت افراد در آن دخیل است؛ همچون: عدم یکسانی در انجام برخی تکالیف دینی، چون ارث، دیه و ... که لازمه عدالت در آن عدم برابری است.

۳. دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

۴. دیدار با پرستاران.

در یک جامعه، نوع رفتار با زنان ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده، مثل پدران، برادران و همسران و چه مردانی که در محیط‌های کار با آنان برخورد می‌کنند. در جامعه اسلامی، بر مبنای آموزه‌های دینی، رفتار با زنان باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد (۹۲/۲/۱۱)؛^۱ چرا که رفتارهای نامناسب نسبت به زنان خلاف منزلت آنان بوده و آن‌ها را از جایگاه اصلی خودشان دور می‌کند. ایشان همچنین از این که در برخی موارد در ایران نیز شأن و جایگاه حقیقی زنان شناخته نشده، اظهار تأسف کرده و بیان می‌کند که بر مبنای آموزه‌های اسلام نوع برخورد با زنان باید همچون نوع برخورد با گل باشد که نیازمند دقت و مراقبت فراوان است^۲ (۹۵/۲/۲۰).۳

بر مبنای آنچه از نوع نگاه و دیدگاه‌های آیه الله خامنه‌ای نسبت به زنان در خانواده و جامعه بیان شد و بر مبنای قیاس اولویت^۴ به این نتیجه می‌رسیم که طبعاً ضرب زنان به معنای ضرب و شتم آنان - که هم رفتاری خلاف احترام و هم خلاف انسانیت زن است - کاملاً مردود و منتفی است. در ادامه به نمونه‌هایی از نقدها و برخوردهای ایشان با این‌گونه رفتارها اشاره خواهیم کرد.

۵-۲. مذمت هرگونه توهین نسبت به زنان

ایشان هرگونه رفتار توهین‌آمیز و خلاف شأن و منزلت زنان را مورد نقد قرار داده و توهین رفتاری، زبانی تا وحشی‌گری‌های یدی را مذمت کرده‌اند و هرجا نسبت به زنان بی‌اعتنایی یا ظلمی شده است، برخورد کرده و جامعه را موظف می‌دانند که هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سختی کنند (۹۲/۲/۲).^۵ در دین مبین اسلام حد و مرزی برای اجرای عدالت بیان نشده و عدالت حق همه مردم جهان است؛ به طوری که هر فرد مسلمان، در حد توان خود، باید در مقابل ظلم و تعدی به حقوق انسان‌ها واکنش نشان داده و برای اصلاح و احقاق حق آن‌ها گام بردارد. ایشان نیز به عنوان اندیشمند و رهبری

۱. دیدار جمعی از مداحان.

۲. المرأةَ زبائنًا و لیسست بقهرمانه (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۱۰/۵).

۳. گزیده‌ای از بیانات در دیدار هیأت امنای گروه هم‌اندیشی تحکیم خانواده.

۴. اقوی و اشد بودن «علت» در «فرع» قیاس فقهی قیاس اولویت، قیاسی است که در آن از راه اقوی و اشد بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع به صورتی قوی‌تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می‌کند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۵۱ - ۶۵۲).

۵. در دیدار با جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی.

مسلمان و بر مبنای آموزه‌های دینی، نه تنها به مسأله احقاق حقوق زنان در ایران و حفظ کرامت ایشان توجه دارند، بلکه رفتارهای زننده نسبت به سایر زنان در سایر کشورها را هم مورد نقد قرار داده و به طور خاص به خشونت‌های خانگی نسبت به ایشان پرداخته و می‌فرماید:

در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و امریکا نه همه آنان خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده این است که پدران و شوهران در خانواده‌های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند (۶۹/۲/۲۲).^۱

همچنین ایشان در کنار انتقادات و برخوردهایی که به عنوان رهبر جامعه دینی در مقابل این مسأله بیان می‌کنند، از منظر فقهی هم هر گونه تعرض شوهران نسبت به زنان را خلاف دین دانسته و می‌فرماید:

به طور کلی مرد در زمینه کتک زدن زن هیچ حقی ندارد و اگر در اثر کتک سیاه و یا کبود شود، دیه لازم می‌گردد.^۲

آیه الله خامنه‌ای به عنوان اندیشمندی اسلامی برای زنان هم در خانواده و هم در اجتماع منزلت والایی قابل هستند و با استناد به آیه ۳۵ سوره احزاب، ضمن بیان یکسانی زن و مرد از حیث انسانیت، طبق سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز برخورد با زنان را همچون برخورد با گل دانسته و اجازه هیچ‌گونه تعرضی به زنان را نمی‌دهند. ایشان همچنین ضمن مذمت و برخورد با مواردی از رفتارهای نامناسب نسبت به زنان؛ از منظر فقهی نیز حق هیچ‌گونه تعرض به زنان توسط شوهرانشان را صادر نمی‌کنند که این مسأله نشان از عدم استنباط به ضرب فیزیکی زنان در آیه ۳۴ سوره نساء توسط ایشان دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش نخست، با دو گونه روایت در خصوص تحلیل روایی ضرب زنان مواجه‌ایم؛ دسته‌ای ضرب در آیه را به معنای آزار جسمی دانسته‌اند که البته آن را مشروط به قیودی چون عدم آسیب و خونریزی به زوجه کرده‌اند. گروندگان به این دیدگاه هیچ دلیل محکم و روایت صحیح‌السند قابل استناد از معصومان علیهم‌السلام نداشتند و در مواردی کینه و بغض ایشان نسبت به زنان بود که

۱. دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران.

۲. استفتای شماره BkzHNVnCGw.

منجر می‌شد تا این آیه را دستاویزی برای توجیه کار خودشان قرار دهند. دسته‌ای دیگر، ضرب را به آزار روحی معنا کردند که مرادشان مواردی چون در تنگنا قرار دادن اقتصادی زوجه و عدم پرداخت نفقه به ایشان بود. اینان شواهدی از روایات معصومان علیهم‌السلام برای نظرشان بیان می‌کنند که همین امر منجر می‌شد تا این نظر از اعتبار بیشتری برخوردار باشد.

اما در جامعه اسلامی و در بیان رهبر جامعه مسألهٔ زدن زنان، نه تنها مذموم و مردود است، بلکه توصیه به رعایت احترام و جایگاه زنان به کرات به چشم می‌خورد. ایشان همچنین در مقام فقیه - که با استناد به ادلهٔ عقلی و نقلی حکم می‌دهند - در این خصوص چنین فتوا می‌دهند که شوهر حق کتک زدن و آزار زن ندارد.

یافته‌های پژوهش

۱. علت صدور حکم ضرب در آیه نشوز زن است که به معنای سرکشی از اموری است که در حیطةٔ زناشویی بر زن واجب بوده و جزو حقوق شوهر به حساب می‌آید؛ اعم از هم‌بستری و خروج از منزل.
۲. سه راهکار کلی در آیه برای مقابله و پیشگیری از نشوز زن مطرح شد که به ترتیب: پند و اندرز، دوری جستن از هم‌بستری و ضرب است.
۳. در کتب روایی شیعه، حتی یک روایت «صحیح» مبنی بر جواز ضرب جسمی زنان توسط شوهران دیده نمی‌شود. روایات موجود نیز ضرب زن را به قیدهایی مشروط کرده‌اند که تنها ضرب غیرجسمانی زن از آن‌ها فهمیده می‌شود. همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی، تنبیه زنان را با محدودیت‌های مالی بیان می‌کند که گواهی بر این مدعاست.
۴. آیه در پی تأثیر گذاشتن و بازداري زن از رفتار غیر شرعی است. از این رو، برای اصلاح وی باید به راهکارهای شرعی تمسک جست. قرآن در گام اول، اندرز را پیشنهاد می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، به دوری‌گزینی از وی فرمان می‌دهد. در گام سوم و به منظور تأثیر گذاشتن بیشتر و عدم کارگر افتادن فرمان‌های پیش، حکم به «ضرب» می‌دهد. پس باید این ضرب به گونه‌ای باشد که جبران‌کنندهٔ درمان‌های پیش باشد. پر واضح است که ضرب، اگر منجر به زخم و شکستگی شود، امر به حرام است و از خداوند چنین امری بعید است. از طرفی، اگر ضرب با مسواک و بدون هیچ آسیبی پذیرفتنی باشد، در این صورت، هیچ‌گونه شدت و اثری ندارد. از

این رو، باید مفهوم ضرب را توسعه داد؛ چنان‌که ائمه علیهم‌السلام چنین کرده‌اند و ضرب را در حیطة دامنۀ اختیارات مرد نسبت به زن دانسته‌اند و آن نیز ضرب غیر جسمی، یعنی عدم پرداخت نفقه و عدم تأمین نیازهای اساسی است.

۵. آنچه در کتب روایی اهل سنت مبنی بر زدن زنان مطرح شده است، همچون کتب روایی شیعه، اساس و پایه‌ای محکم ندارد و ضمناً در احادیث اهل سنت، برخی صحابیان به عنوان راوی اصلی این روایات، کینه و بغضی نسبت به زنان داشته و این آیه در واقع دست‌مایه‌ای برای آزادی آنان در آزار زنان شده است و دیگران هم به پیروی از آنان این رویه را دنبال کرده‌اند.

۶. از مجموع فرمایش‌های آیه‌الله خامنه‌ای چنین برمی‌آید که ایشان، ضمن توجه به حفظ کرامت زن در خانواده و جامعه، هر گونه توهین و تحقیر نسبت به زنان را نپذیرفته و بر مبنای حکم فقهی، برای شوهران، هیچ حق تعرضی نسبت به زنان قایل نیستند.

۷. با توجه به آنچه بیان شد، آیه مورد نظر به هیچ روی جواز تنبیه جسمی زنان به وسیله شوهرانشان را صادر نکرده، بلکه تنها ضرب در این آیه به معنای راهکاری اصلاحی بیان شده که البته با توجه به شروطی که پیشتر از روایات بیان گردید، به نظر می‌رسد ضرب در این آیه به معنای آزار روحی، به صواب نزدیک‌تر است.

پیشنهاد و راهکار

به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده و سوء برداشت از معنای ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء و به دلیل مبتلا به بودن این مسأله در میان برخی از مردم، به ویژه در نقاطی که از حیث فرهنگی ضعیف هستند، به نظر می‌رسد چنان‌چه بتوان در قالب کتاب‌هایی کم‌حجم، با زبان ساده و قابل فهم برای عموم، این مسأله را بیان نمود، بسیاری از شبهات و عملکردهای نادرست مردم در این باره از میان خواهد رفت.

کتابنامه

- القرآن الکریم، مترجم: محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن ابی عاصم، ابوبکر. (۱۴۱۱ق). الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل أحمد جوابرة، ریاض: دار الرایة.
 ۲. ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن. (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، چاپ اول.
 ۳. ابن بشران بغدادی. (۱۴۱۸ق). أبو القاسم عبد الملك، أمالی، ریاض: دار الوطن.
 ۴. ابن جوزی، جمال الدین أبو الفرج. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
 ۵. ابن حَبِیب، ابومروان عبد الملك. (۱۴۱۲ق). أدب النساء الموسوم بكتاب العناية و النهایة، تحقیق: عبد المجید ترکی، بی جا: دار الغرب الإسلامی.
 ۶. ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد. (۱۴۲۱ق). المسند، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن ترکی، بی جا: مؤسسة الرسالة.
 ۷. ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول، قم: چاپ دوم.
 ۹. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم.
 ۱۰. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
 ۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
 ۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
 ۱۳. اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
 ۱۴. باقی زاده، رضا. (بهار ۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل مسأله نشوز در تعامل زوجین با توجه به آیه ۳۴ سورة نساء»، دوفصلنامه بانوان شیعه، دوره ۲۳.

۱۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت، قم: مؤسسه البعثة.
۱۶. بلاذری، أحمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). جمل من أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۷. بستان، حسین، دهقان نژاد، رضا. (بهار ۱۳۹۶). «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن»، پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۸، ش ۲۸/ص ۷۷-۱۰۰.
۱۸. بیهقی، أبو بکر. (۱۴۰۵ق). دلایل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۹. ———. (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، بیانات سال‌های؛ ۶۵، ۶۹، ۹۲، ۹۳.
۲۱. پورمولا، سید محمد هاشم و حسن جلالی. (۱۳۹۴ش). «بررسی فقهی تنبیه بدنی زوجه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۱، دوره ۴۸.
۲۲. ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۲۳. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). نور الثقلین، تحقیق: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۲۵. خواجه پور، رزیتا و مژگان خان بابا. (زمستان ۱۳۹۵). «نشوز از دیدگاه آیات و روایات»، مطالعات هنر و فرهنگ، دوره ۱، ش ۵۱/۱-۵۹.
۲۶. خرائطی، أبو بکر محمد. (۱۴۱۹ق). مکارم الأخلاق و معالیها و محمود طرائقها، تحقیق: ایمن عبد الجابر البحریری، القاهرة: دار الآفاق العربیة.
۲۷. ذهبی، شمس الدین. (۱۴۱۳ق). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: انتشارات دار الشامیة، چاپ اول.

۲۹. الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، قم: دارالهجرت، چاپ اول.
۳۰. رئیس الساداتی، ریحانه سادات. (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی»، دوفصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، ش ۱.
۳۱. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار، نجف: مکتبه حیدریه، چاپ اول.
۳۲. صالحی نجف آبادی، نعمت الله. (۱۳۹۰ش). حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، تهران: کویر.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة، قم: بعثت، چاپ اول.
۳۵. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم.
۳۶. _____، (۱۴۱۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم.
۳۷. طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد. (۱۴۱۵ق). شرح مشکل الآثار، تحقیق: شعیب أرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۸. طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم.
۴۱. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۴۲. قبادی، مریم. (زمستان ۱۳۹۳). «نشوز؛ مصادیق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن»، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (عج)، دوره ۷، ش ۴.
۴۳. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
۴۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

۴۶. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۴۱۳ق). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: اسلامیه، چاپ اول.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۴۸. ماوردی بصری، أبو الحسن علی بن محمد. (۱۴۱۹ق). الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۰. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۵۱. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۵۲. مصطفوی، حامد. (بهار ۱۳۹۱). «بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن»، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، دوره ۱۸، ش ۱۶۹/ص ۷۶-۱۲۷.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم.
۵۴. موسوی لاری، سید مجتبی. (خرداد و تیر ۱۳۸۱). «نگرشی جدید بر معنای ضرب در قرآن»، ماهنامه معارف، ص ۴۹-۵۳.
۵۵. موصلی، أبو یعلی أحمد بن علی. (۱۴۰۴ق). مسند أبي یعلی، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث.
۵۶. نووی شافعی، محیی الدین أبو زکریا. (بی‌تا). المجموع، بی‌جا: دار الفکر.
۵۷. هیثمی، أبو الحسن نور الدین. (۱۴۱۱ق). موارد الظمان إلی زوائد ابن حبان، تحقیق: حسین سلیم أسد دارانی، دمشق: دار الثقافة العربی؟؟؟ ناقص است (خوشرفتار)